

برای رضا براهنی و شمایی که او را کشتید

رضا براهنی سروده است: «...شاعر کسی است که دوزخ را تجربه کرده باشد».

به گزارش سایت خبری پرسون، احسان شریعتی در یادداشتی نوشت: درگذشت رضا براهنی در غربت تبعید و دوری از وطن، مرگ او را دوچندان غم‌انگیز و اسف‌بار می‌سازد. نویسنده‌ای تأثیرگذار و مورد توجه در جهان، شاعری صاحب سبک و نظر و نوآوری در نقد علمی ادبی و تطبیقی در کشور، روشنفکری متعهد و مخالف سانسور در دو نظام گذشته و حال که به همین «دلیل»‌ها یا «علت»‌ها نتوانسته در کشور خود درست «کار کند» و به عبارتی دیگر خوب بزید و خوب بمیرد.

زندگی و مرگ یک شاعر، یک نویسنده، یک منتقد ادبی، و یا یک روشنفکر منتقد، با امکان یا امتناع «کار» او، با نقد و خلق او تعریف می‌شود و جهانی از معنا را برمی‌سازد. منع و سانسور کار یک معلم، نویسنده، شاعر، روشنفکر، معادل با کشتن اوست (چنان‌که اخیراً در مورد شاعری از متاثران سبک او، بکتاش آپتین، رخ داد) و مرگ جهانی که او برمی‌سازد؛ چنان‌که براهنی خود زمانی به زیبایی سروده بود:

« جهان به دو چیز زنده است:

اولی شاعر،

و دومی شاعر،

و شما هر دو را کشته‌اید،

اول: خسرو گل‌سرخ‌ی را،

دوم: خسرو گل‌سرخ‌ی را»...

... « شما خسرو گل‌سرخ‌ی را کشته‌اید

حتی پیش از آن‌که بکشید، کشته‌اید »...

منبع: خبر آنلاین